

روشها و مبنای تاریخ نگاری

در پژوهشهای تاریخی

بحث اول

1-1-114. روشهای جمع آوری اطلاعات در پژوهشهای تاریخی

پژوهشهای تاریخی عامل عمده و اساسی کسب و انتقال دانش است. این دانش گذشته علوم را به علوم معاصر وصل میکند و همچنان نحوه گذشته و سرگذشت جهان را به امروز نشان میدهد. زیرا نفس تاریخ نیز صرفاً این نیست تا تاریخ بیک سلسله وقایعی پردازد که نظام زور مندان پادشاهانی را بما باز گو کند که بر سر نگهداری قدرت جنگیده اند حتی فرزندان و برادران و نزدیکان خود را نیز کور و یا از زندگی محروم ساخته اند و بر بستر بیماری هزاران هزار انسان ناتوان که همه چیزشان را زیر ضربات خورد کننده مامورین جمع آوری مالیه از دست داده اند و یا هیزم جنگ های قدرت طلبانه بوده اند، بساط عیش پهن کنند بلکه تاریخ علوم رویداد های غم انگیز انسانها را در دایره تمدنی ریشه یابی نموده معایب را برای اصلاح نسل بعدی باز گو مینماید و حتی اگر ضرورت اقتدا توده های مردم را برای يك دگر گونی عظیم برای کشیدن خط بطلان سیاستمداران زور مند و خارج ساختن آنها از قدرت، بسیج میسازد.

از این سبب ضرور است تا نفس پژوهشهای تاریخی زمینه های تشریحی داشته باشد تا در مورد شناخت پدیده مورد مطالعه معلومات ضروری را برای شناخت آماده سازد. این کار شیوه، تاریخ نگاران را قادر میسازد تا در شناخت منابع دست اول و دوم در پژوهشهای تاریخی شان مهارت و آشنائی لازم را داشته باشند.

انتخاب پژوهش های تاریخی مستلزم این است تا محقق بداند تاریخ چیست و عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که بر روی رویداد ها، ایده ها و مردم تأثیر میگذارند، کدام اند؟. باید در نظر داشت که پژوهش تاریخی همچون سایر تحقیقات علوم پایه بوده و به جمع آوری داده ها و منابع نیاز مبرم و آشکار دارد که تاریخ نویسان بایست از صحت و اصالت آن ها اطمینان حاصل کنند. داده ها را میتوان از منابع دست اول، از نتیجه گزارش و تجربه فرد، موسسه یا يك واقعه، نامه های شخصی، یادداشت های شخصی و یادداشت های ارشیف شده روزانه و یا منابع دست دوم نظیر گزارش روزنامه ها، مقالات، مجلات، برنامه های اختصاصی تلویزیونی و کتابهای مربوط به زمان تحت مطالعه بدست آورد. چگونگی داده های جمع آوری شده، سازماندهی منابع به صحت تحقیقات نهایی که حاصل از داده هاست کمک میکند تا پژوهشهای تاریخی معیاری گردند. [4]

114-1-2. تاریخ نویسی بر چه مبنایی تحقق می یابد؟

روش تحقیقی در علم تاریخ مستلزم دانستن روش جامعه شناسی تاریخی میباشد که این روش تحقیق تاریخی در کیفیت علوم اجتماعی میباشد. این سه عامل از همدگر مجزا و بی ربط نبوده و در حوزه تحقیقات علمی با هم در تلفیق میباشد.

روش تحقیق در علم تاریخ بعنوان یکی از رشته های علوم انسانی واجد روش های تحقیق خاص خود است که عبارت اند از:

- اعتبارسنجی منابع تاریخی
- بازسازی وقایع تاریخی
- تبیین علمی در تاریخ (علت یابی در تاریخ)
- عاملیت و ساختار در تاریخ

¹ دکتر عابد سعیدی ژیل و شوریده فروزان آتش زاده، مجله دانشکده پرستاری ارتش جمهوری اسلامی ایران، سال دهم، شماره 3، پائیز 1389، شماره مسلسل 25.

بعضی مسائل نظیر عاملیت ساختار از علوم اجتماعی به علوم تاریخ وارد شده اند .

روش تحقیق در علم تاریخ، این عناصر را در بر میگیرد:

مطالعه اسنادی در کانون های روش تحقیق در تاریخ که انواع منابع تاریخی را: از قبیل منابع مکتوب (خطی و چاپی و الکترونیکی)؛ منابع شفاهی که هم شنودنی و هم منابع دیداری یا عینی میباشد؛ منابع مادی و افزاری ای که مد و سریع کننده فعالیت های اینچنینی واقع میگردد (از قبیل چاپخانه ها، دستگاه های کمپوتر، دستگاه های چاپ و میزی، دستگاه های تلویزیونی، ایجاد سایت های جهانی اینترنت بمنظور گسترش علوم و بانکهای اطلاعات، تجربه گاهها [لابراتوارها] میباشد).، منابع ساختمانی (آثار و ابنیه) ای که نمایندگی از طرز زیست تمدنی را در مقطع معین زمانی نشان میدهد مثل موزیم عای غیر منقول مانند بت های بامیان، آثار باز مانده از مندیگک و ای خانم، و استوپه های باز مانده از دوره های بودائی، آثار مکشوفه در حده، آثار باقیمانده، مهادر بغلان (سرخ کوتل) معبد نوبهار بلخ، خرابه های شهر غلغله و آثار بدست آمده از تاکسیلادر کنار رودخانه اباسین و بست در کنار رودخانه هلمند .

عمارت تاریخی مقبره حضرت علی کرم الله وجهه در شهر مزار شریف و مسجد خواجه محمد پارسا در بلخ از بناهای عصر تیموری





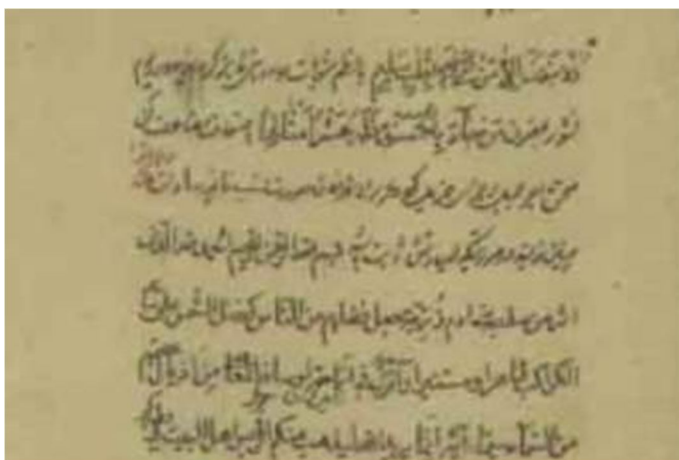
مقبره هندی که از شهرکار های معماری عصر مغولی هند که در آگره نزدیکی دهلی موقعیت دارد

انواع اسناد تاریخی از قبیل: فرمان - منشور - حکم - عهدنامه ها - شجره نامه ها - یادداشت های متحد المال - اسناد دیوانی میباشد .



یاس همان قانون است.

نمونه ای از منشور کشوری



نمونه ای از نوشته های دیوانی



نمونه ای از سکه تاریخی

دانش های کمک کار در پژوهش های تاریخی: نسخه شناسی - زبان شناسی - خط شناسی - کتبه خوانی - سیاق شناسی (بجاری کلام) - سکه شناسی - مهر شناسی - نسب شناسی - رمز شناسی و شناختن موقعیت های تاریخی سبک ها و مکاتب هنری و نقاشی از قبیل سبک شناسی بهزاد، زیبا نویسی مکتب خوش نویسان هرات (میر علی هروی) و شناخت آثار هنری نقاشی میکلائز، پیکاسو و دیگران در اروپا.



نمونه‌ای از کار کمال‌الدین بهزاد هروی . مرجع تصویر: کابل ناتنه



نمونه‌ای از کار پیکر تراشی میکلانژ بر گرفته شده از بانک تصاویر گوگل با در نظر داشت حق تکثیر و اشاعه



یکی از تصاویر مشهور میکلانژ که شاهکاری نظیر او

میباشد

114-1-3. روش رشد بشر در جامعه شناسی تاریخی:

علم جمعیت شناسی:

جمعیت شناسی یا چیره شناسی مطالعه ی آماری جمعیت ها است. در این دانش تراکم، توزیع و دیگر آمارهای مهم (مانند تولد، ازدواج، مرگ و...) بررسی می شوند. بخش هایی از این دانش که امروزه اهمیت بسیاری یافته اند عبارتند از انفجار جمعیت، رابطه بین جمعیت و توسعه اقتصادی، اثر تنظیم خانواده، تراکم (یا بحران) جمعیت در شهرها، مهاجرت های غیر قانونی و غیره^[2]

²ویکی پدیا دانشنامه آزاد از بانک اطلاعاتی گوگل، نسخه ۳۰ آوریل ۲۰۰۸

افزون بر این‌ها این به مطالعه اندازه، ساختار و توزیع جمعیت‌ها و تغییرات آن‌ها در پاسخ به تولد، مرگ، مهاجرت، و سال‌خوردگی می‌پردازد.

تراکم نفوس جمعیت‌های انسانی ما را به این‌وا میدارد تا در مورد پویایی جمعیت انسان معلومات داشته باشیم

انسانها به مقایسه با سایر زنده جانها، توانایی بسیار بیشتری برای تغییر محیط یا مهاجرت تکامل یافته دارند. این توانایی‌ها به هوموساپینس (Homo sapiens) یا علم‌گونه انسان کمک میکند تا به موقعیتی خیز بردارند که نه تنها قادر به کاهش جمعیت یا حذف دیگر گونه‌ها شود، بلکه همچنان بتواند آینده خودش را نیز در خطر ویران سازد.

این علم عمدتاً توجه بر پویایی‌های جمعیت انسان است. تأثیرش بر شکل دادن به گذشته ما، سهم کلیدی‌شان در مشکلات جهان امروز، و همین‌طور اهمیت‌شان در شکل دادن به آینده تمدنی میباشد (در اینجا است که تاریخ به علم آینده تبدیل میگردد (مولف)).^[3]

در دوران پیش از تاریخ مکتوب، جمعیت انسان از گروه‌های پراکنده‌ای از شکارچی گردآورندگان تشکیل شده بود؛ این گروه‌ها با آهستگی گسترش می‌یافتند و در سراسر جهان پخش میشدند؛ تا اینکه حدود 10 هزار سال پیش، انقلاب کشاورزی و دامپروری رخ داد و اهلی سازی حیوانات و گیاهان آغاز شد. تا پیش از آن جمعیت انسان بر روی کره زمین تنها 5 تا 10 میلیون نفر بود.

اولین یکجانشینی انسانها (خانه - قریه - شهر)

در دوره یکجانشینی، انسانها، اولین خشت تهداب تمدن و زیست مشترک را گذاشتند و به نیروی کاری و دفاعی یکدیگر بقسم مشترک توفیق یافتند، رشد جمعیت سرعت گرفت. در این دوره انسان‌ها به غلات فراآوری شده و دیگر مواد غذایی

³ پول ارلیش. آن ارلیش، فراز و نشیب جمعیت‌های انسان، از مجموعه کتاب «انسان، جانور غالب؛ تکامل انسان و محیط زیست» ترجمه ارش حسینیان، انتشارات اسلند پرس، 2008.

مناسب دست یافتند و بواسطه یکجا نشینی زنان به سیاق گذشته، نیازی به حمل کودکان خورد سال شان بخاطر تغذیه از شیر مادر در محل کارشان در بیرون از خانه نداشتند بلکه آنها میتوانند از غذا های متنوع از جمله شیر حیوانات فرزندانشان را تغذیه کنند، با یکجا شدن، زنان می توانستند تعداد بیشتری فرزند به دنیا بیاورند و به این ترتیب تعداد کل بچه ها افزایش می یافت. و افزایش تناسب زاد ولد بر مرگ و میر کودکان زیاد تر بود و به این واسطه ازدیاد زاد ولد منجر به رشد سریع جمعیت انسان شده بود.

در نتیجه شتاب گرفتن رشد جمعیت انسان در زمان میلاد مسیح احتمالاً به 250 تا 350 میلیون نفر میرسید که به تدریج پس از این هم آهنگ رشد جمعیت از این هم بیشتر شتاب گرفت.

حدود 150 میلادی تعداد انسان ها در کره زمین به نیم میلیارد نفر رسید؛ و طی این دوره از اثر برقرار بودن نسبی صلح و افزایش فعالیت های کشاورزی و دامپروری که بعد تر منجر به اقتصاد گسترده اروپای متأخر باعث انقلاب بازرگانی گردید نرخ مرگ و میر نیز کاهش یافت.

در سده های 18 و 19 علی رغم شرایط نا مساعد کار خانه ها و معادن در دوره انقلاب صنعتی و ابداع ماشین بخار وضعیت بهداشت هنوز هم بهبود یافت و دلیل آن هم پا گرفتن سیستم های فاضلات آب و ارتقاء سیستم های بهداشتی در محلات زیست باعث شد تا نرخ مرگ و میر بطور قابل ملاحظه ای کاهش یابد، متعاقب این تغییرات، جمعیت این کشور ها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به سرعت افزایش یافت. تا سال 1850 جمعیت انسان دو برابر شده و بیک میلیارد نفر رسیده بود. در سده 18 پس از آنکه مرگ و میر در کشور های صنعتی رو به کاهش گذاشت، میزان زاد ولد نیز به میزان بلندی نیز رو به کاهش نهاد که از آن اغلباً به عنوان «گذار جمعیتی» یاد میشود. این اصطلاح اشاره دارد به گذار از وضعیتی با نرخ زایش و نرخ مرگ بالا، به وضعیتی زایش و مرگ پایان - غالباً با قدری تأخیر بین بهبود نرخ مرگ و میر نوزادان و کودکان، و متعاقبش نرخ زاد ولد.

علل تغییر در نرخ زایش در این برحه از تاریخ از جوامع صنعتی هنوز بطور کامل شناخته نشده، اما بنظر میرسد اقتصاد خانواده در این میان نقش داشته است. به عبارت دقیق تر، به موازات اینکه انسانها بیشتر و بیشتر به سمت شهر ها سرازیر شدند و ماشین های

کشاورزی جای کارگران زراعی را گرفتند کودکان به مرور اهمیت اقتصادی شان را از دست دادند و تبدیل به موجودات پر هزینه از نظر آموزش و پرورش شدند. کاسته شدن از نرخ مرگ و میر نوزادان و کودکان، افزایش هزینه های پرورش کودکان، انگیزه ها و مشوق های موجود برای ایجاد خانواده های بزرگ تر شهری را سرمشق خود قرار دادند.

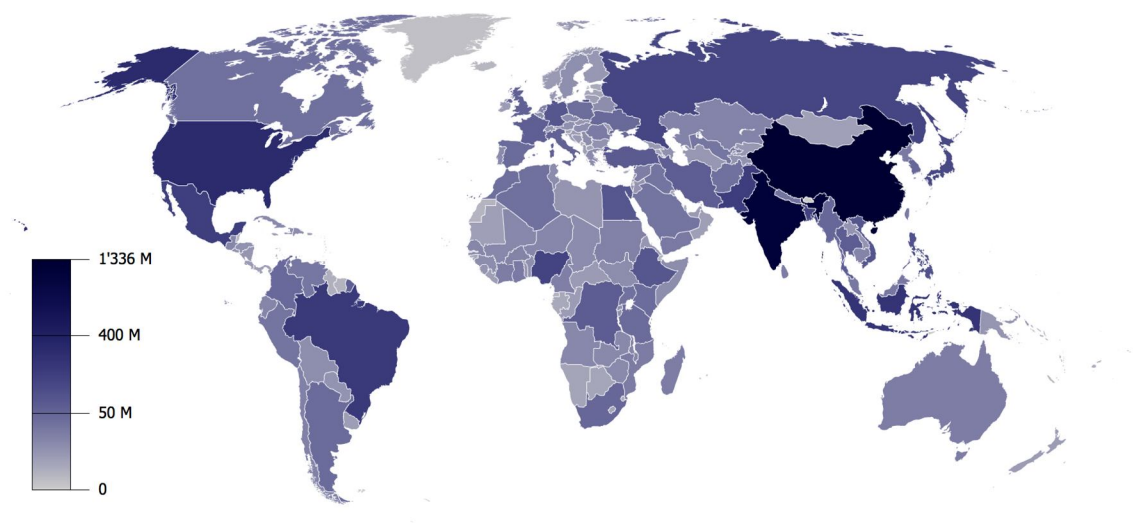
به موازات اینکه تعداد بیشتری از افراد، بویژه زنان، در دبیرستانها و مقاطع آموزشی بالاتر آموزش میدیدند میانگین سن ازدواج نیز افزایش یافت؛ به همین شکل، میانگین تعداد فرزندان هر زن نیز کاهش یافت چرا که زنان بطور روز افزونی به عنوان «نیروی کار» فعالیت میکردند و از این رو تصمیم به داشتن فرزندان کمتری می گرفتند.

این فرایند مدرن سازی، که منجر به کاهش نرخ رشد جمعیت شد (و حتی در بسیاری کشور ها بکلی به رشد جمعیت پایان داد، تازه اگر مهاجرت را کنار بگذاریم) در میانه قرن بیستم در اروپا و امریکای شمالی مجد کمال خود رسید. اما در این دوره فرایند مدرن سازی هنوز در دیگر نقاط جهان آغاز نشده بود، و در سطح جهانی، رشد جمعیت همچنان به حرکت شتابناک خود ادامه داد، چنین شد که در سال 1930، جمعیت جهان به دو میلیارد نفر رسید، در سال 1950 به ۲،۵ میلیارد، و در سال 1960 از مرز 3 میلیارد نفر عبور کرد.^[4]

(و اکنون نظر به آمار های تأیید شده جمعیت جهان به ۴،۵ میلیارد نفر بالغ میگردد. اخیراً برنامه هایی از آغاز سده بیست و یکم مبنی بر کنترل نرخ جمعیت جهان از طریق مدیریت بحران های اقتصادی و راه اندازی توطئه های منطقی، جنگهای منطقی، ستمی، قومی، زبانی و عقیدتی (القاعده - طالبان - داعش - بوکوحرام - صهیونیست های جنگ طلب اسرائیل) مخصوصاً در پر نفوس ترین نقاط جهان (شرق میانه - مصر، افغانستان - پاکستان - آفریقا) و ایجاد حکومت های ضعیف و ناکار که در مجموع باعث از هم پاشیدگی نظم منطقی در یک کشور گردیده با سامانه های جنگ داخلی مقادیری هنگفتی از جمعیت موجوده جهان از اثر موجودیت این جنگها، استعمال سلاح های کثار جمعی از قبیل بمب های خوشه ای، و سلاح بیولوژیکی و کیمیایی و

در نهایت استعمال سلاحهای اتمی نیز منتفی نمیتواند باشد ، میتواند شاید تعداد قابل ملاحظه ای از نسل موجوده را راهی دیار فنا

سازد . (مولف))



نقشه کشورهای جهان به اساس جمعیت شان - تصویر از طریق ویکی انبار

تیوری کنترل جمعیت از طرف جامعه شناسان

توماس رابر ت مالتوس تولد (۱۴ فوریه ۱۷۶۶-۲۰ دسامبر ۱۸۳۴) Thomas Robert Malthus استاد دانشگاه انگلیسی بود که تاثیر بسیار زیادی روی جمعیت شناسی و اقتصاد سیاسی گذاشته است . مالتوس به خاطر پایه گذاری نظریه رانت مشهور است . البته کتاب مشهوری نیز به نام اصل جمعیت نگاشته است و اولین بار به این موضوع اشاره کرده است که افزایش جمعیت راه حلی برای پیشرفت نیست .

وی در کمبریج به تحصیل الهیات پرداخت و پس از تکمیل تحصیلات در سال ۱۸۰۵ استاد تاریخ و اقتصاد در کالج هال بیوری گردید . مالتوس کتاب خود را تحت عنوان اصل جمعیت در سال ۱۷۹۸ و چاپ دوم و کامل آنرا در سال ۱۸۰۳-۱۸۱۷ انتشار داد . مالتوس معتقد بود که موجودات زنده با سرعت سرسام آوری تکثیر پیدا می کنند و اگر قحطی و جنگ و غیره وجود نداشته

باشد جمعیت به شکل تصاعد هندسی زیاد می شود و ممکن است در هر ۲۵ سال دو برابر گردد در حالی که وسایل ارتزاق در بهترین شرایط با يك تصاعد ریاضی بالا می رود و لذا هر ۲۵ سال جمعیت دو برابر می شود و حال آنکه ازدیاد خوار و بار و مواد غذایی بسیار ناچیز است ولی برخی عوامل چون جنگ و قحطی می توانند موانع طبیعی در امر ازدیاد جمعیت باشند. [۵]

مالتوس از جمله دانشمندان شكاكك و بد بین به روال رشد طبیعی جمعیت در سده ۱۸ بود اگر نظریه او تحقق می یافت باید در هر یکصد سال چهار مرتبه رشد جمعیت بقسم صعود هندسی بالا می رفت و در ظرف دو صد سال این رقم به هشت مرتبه میرسید و این خود میرساند که انسانها مخصوصاً دانشمندان توانستند از طریق های مناسبی از يك فاجعه ای که مالتوس پیش بینی کرده بود جلوگیری کنند. این دانشمندان توانستند رشد جمعیت جهان را از طریق فن آوری های مدرن در امر کنترل جمعیت در يك حالت اعتدال نگهدارند و از طرف دیگر به میزان فن آوری های نوین در امور کشاورزی و صنایع غذایی و تولید انبوه آن در این آزمون موفق بدر آیند.

نظریات مالتوس در مورد ایده کنترل جمعیت:

مالتوس برای جلوگیری از رشد جمعیت، سه نوع راه حل ارائه می دهد:

1. منع یا فشار اخلاقی (عقب انداختن ازدواجها)؛

2. کنترل جمعیت از طریق برنامه تنظیم خانواده؛

3. فقر و گرسنگی؛

وی دو راه حل اولی را "راه حل جلوگیری" و راه حل سومی را "راه حل مثبت" و مهمترین عامل متوقف کننده افزایش جمعیت می داند. او در جواب این سوال، که "آیا واقعا اگر مردم بیشتری به کار روی زمین پردازند و غذای بیشتری تولید کنند، نمی توان از

فقر و گرسنگی جلوگیری کرد، پاسخ منفی می‌دهد؛ زیرا او معتقد است که قانون بازده نزولی عامل بازدارنده این قضیه است.^[6]

2. نظریه بحران: تئوری بحران مالتوس، تحت تأثیر تزلزل‌های اقتصادی که در اوایل قرن نوزدهم انگلستان به آن دچار شد، به وجود آمد. توزیع نابرابر درآمد به انباشت سرمایه انجامید؛ که پس‌انداز بیش از اندازه را به دنبال داشت و به نوبه خود موجب افزایش تولید کالا شد. از طرف دیگر توزیع نابرابر درآمد، مانع وجود تقاضای مؤثر برای کالاهای موجود گردید. کارفرمایانی که با درآمد بالا امکان مصرف داشتند، به خاطر اشباع نیازهای خود، میل به مصرف نداشتند و کارگران که نیاز و میل به مصرف داشتند، فاقد درآمدی بودند که بتوانند مصرف خود را با تولید بیشتر کالا تطبیق دهند. به این لحاظ، مالتوس تقویت مصرف را از این طریق پیشنهاد می‌کند؛ که طبقه‌ای از انسان‌ها، تمایل و همچنین امکان داشته باشند، تا معادل آنچه کالاهای مادی تولید می‌کنند، بیشتر مصرف کنند.^[7]

3. سود: مالتوس برعکس ریکاردو، از بالا رفتن سود نگران بود. به نظر وی صاحبان زمین‌ها و کارگران، تقریباً همه درآمد خود را برای خرید کالاهای مصرفی، هزینه می‌کنند. بنابراین دستمزدها و رانت‌ها در قالب تقاضای مؤثر، خود را نشان می‌دهند. اما سود، کاملاً پس‌انداز می‌گردد. از این رو اگر قوانین مربوط به ممنوعیت واردات غلات باعث شوند سود کاهش پیدا کند و دستمزد و رانت بالا برود، از نظر او مورد استقبال خواهد بود.^[8]

فلسفه سیاسی مالتوس

از بررسی عقاید وی این طور استنباط می‌شود، که او تا اندازه زیادی تحت تأثیر فلسفه بنتهام (لذت و درد) قرار گرفته است. به نظر او هدف اساسی نظام اجتماعی، فراهم کردن حداکثر رفاه برای حداکثر افراد جامعه است. برای نیل به این هدف، قانون خاصی جز مشاهده براساس تجربه وجود ندارد. اگرچه آثار مالتوس به طور مستقیم، فاقد زمینه‌های مذهبی است، لیکن فلسفه او را در مورد

⁶ تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نی، 1372، چاپ اول، ص 118-120.

⁷ نمازی، حسین؛ نظامهای اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1387، چاپ پنجم، ص 61.

⁸ دادگر، بدالله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، 1383، چاپ اول، ص 252.

لذت و درد، می‌توان نشأت گرفته از فلسفه قدرت الهی دانست. به‌منظر مالتوس، هدف پروردگار متعال، رهبری بندگان خود، در انجام کارهای خوب و احراز از کارهای بد است. لذا تنها به‌وسیله ارزیابی نتایج انگیزه‌های مختلف، از طریق اصالت مطلوبیت است که انسان به‌تدریج، خود را به‌ارضای انگیزه‌ها عادت می‌دهد و بدین طریق، سعادت جامعه انسانی را تأمین کرده و به‌هدف الهی کمک می‌کند. او معتقد است که ما باید محرک‌های خود را با الهام از معیارهای الهی برای توسعه و ترفیع سعادت اکثریت انسان‌ها تنظیم کنیم.^[9]

مالتوس، ریکاردو و دیگران

مالتوس عقیده دارد که ریکاردو و نظرات وی بسیار انتزاعی و روند علی و معلولی برای بررسی علمی، مشکل‌آفرین است. وی در واقع با نوعی ترکیب قیاس و استقراء در نظریه‌پردازی موفق بود.

ریکاردو قیمت را معلول هزینه تولید و مکانیسم عرضه و تقاضا را پراز خطا می‌داند؛ در حالی که مالتوس، کارکرد عرضه و تقاضا را در تعیین قیمت مؤثر می‌داند.

در مقوله ارزش نیز، ریکاردو آنرا در نوعی مقیاس انتزاعی، ولی مالتوس در قالب نسبتاً عملیاتی مورد تأکید قرار داده‌اند.

مالتوس در کنار اقتصاد، از اطلاعات وسیع فلسفی، اخلاقی و سایر معارف اجتماعی برخوردار بود؛ ولی ریکاردو از اندیشه و مطالعات فرااقتصادی و به‌ویژه فلسفه، بهره‌مند نبود.^[10]

⁹ تفضلی، فریدون؛ پیشین، صص 114 تا 116.

¹⁰ دادگر، یدالله؛ پیشین، صص 256.

دیدگاه مالتوس در رابطه با قانون سه

براساس این قانون که به "ژان باتیست سه" منتسب است، هرگاه اقتصاد در اشتغال کامل قرار گیرد و سرعت گردش پول نیز ثابت باشد، سطح قیمت‌ها بستگی به حجم پول خواهد داشت. اگر عرضه پول ثابت بماند، قیمت‌ها نیز ثابت است؛ ولی با افزایش و کاهش عرضه پول، قیمت‌ها افزایش و یا کاهش خواهند یافت.

او این قانون را نمی‌پذیرد و مشکل اساسی رکود و کساد را در کمبود تقاضا می‌داند. [11]

نقد نظریه جمعیت مالتوس

اساس و پایه نظریه مالتوس را از يك طرف يك مسأله فیزیولوژیکی، و از طرف دیگر يك مسأله فنی تشکیل می‌دهد. در نظریه جمعیت، شرط اساسی، همانا "قانون بازدهی نزولی" است؛ که نتایج شوم خود را در صورتی که شیوه فنی تولید ثابت بماند، به جامعه تحمیل خواهد کرد. امروز رشد سریع جمعیت را فقط به کشورهای آسیایی و آفریقایی در حال توسعه مربوط می‌کنند. با وجودی که به جهت بالا رفتن سطح بهداشت مردم، از میزان مرگ و میر کاسته شده، لیکن در عین حال به علت عوامل اجتماعی و مذهبی، راه‌های دیگر مالتوس (تنظیم خانواده) عملی نشده است. اگرچه در نظر تعداد کثیری از اقتصاددانان به رهبری مالتوس، افزایش جمعیت مانع بزرگ توسعه اقتصادی محسوب می‌شود؛ اما جمعیت‌شناسان، عامل جمعیت را مهمترین عامل توسعه و رشد اقتصادی هر جامعه می‌دانند. جمعیت‌شناسان معتقدند که عامل جمعیت فعال، منبع ثروت ملی است و رشد تولید سرانه به نرخ رشد جمعیت فعال بستگی دارد. هر قدر جمعیت فعال سریع‌تر افزایش یابد، تولید سرانه، با سرعت بیشتری بالا می‌رود. لیکن این فرض در حالتی است که آهنگ رشد و پیشرفت تکنیک تولیدی جامعه از رشد جمعیت سریع‌تر باشد. [12]

نقد دیگر را می‌شود از این خلدون آورد. این خلدون در مقدمه خود، جمعیت زیاد را باعث ارزانی مواد غذایی و کالاهای ضروری و کمی جمعیت را عامل گرانی و کمبود کالاها و مواد فوق‌العاده می‌کند. شاید دلیل آن را در این دانست که جمعیت زیاد، تولید انبوه

11 دادگر، یدالله؛ ص 256.

12 تفضلی، فریدون؛ ص 122.

را به دلیل مصرف انبوه طبیعی، به صرفه و تولید انبوه، نیز قیمت تمام شده کالاها، خدمات و نیز عوامل تولید را ارزان می کند. به همین

جهت هم وفور کالاها و مواد ضروری پیش می آید و هم قیمت آنها به شدت پایین می رود.^[13]

